



## نقش اربعین در مهندسی تمدن اسلامی

پدیدآورنده (ها) : جمالی، مصطفی

ادیان، مذاهب و عرفان :: مسجد و مهدویت :: پاییز و زمستان 1395 - شماره 2

از 27 تا 46

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1233943>

دانلود شده توسط : بلال نیازی مهمانی

تاریخ دانلود : 04/10/1399

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## نقش اربعین در مهندسی تمدن اسلامی

مصطفی جمالی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

### چکیده

حادثه عاشورا عظیم‌ترین حادثه عالم است که از آن نه تنها عالم ملک بلکه تمامی ملکوتیان بهره‌مند می‌شوند و در عالم ملک هم نه تنها انسان‌های معمولی بلکه انبیاء اولوالعزم هم بهره‌مند از این حادثه می‌باشند و در سایه سلوک با این حادثه به هدایت امت‌های خود می‌پردازند. بنابراین این حادثه و جلوه‌های ملکوتی آن ظرفیت هدایت بشریت را دارا می‌باشد و لذا باید نگاهی جامع، واسع و نافذ به این حادثه داشت و با بصیرت کامل زوایای آن بررسی گردد و در مسیر جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی از آن بهره کامل را برد. یکی از جلوه‌های این حادثه عظیم زیارت اربعین و شکل خاصی از زیارت است که در طول تاریخ در جامعه شیعه رواج داشته و در این سال‌های اخیر به کمال و بلوغ خود نزدیک شده است. بررسی زوایای مختلف این همایش عظیم مؤمنین بر محوریت زیارت و عزای سالار شهیدان در راستای تحقق آرمان انقلاب اسلامی - ساخت تمدن نوین اسلامی در دنیای امروز - ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

به نظر می‌رسد این همایش عظیم تأثیر بسزائی در مهندسی تمدن اسلامی دارد و می‌توان با شناخت و تعالی ابعاد مختلف در این راستا بهره‌مند شد. به صورت قطع می‌توان ادعا کرد که در این همایش عظیم مردمی شاهد شکل‌گیری جامعه‌ای در مقیاس محدود (هم از لحاظ زمانی و مکانی) با تمام صفات و ویژگی‌های جامعه آرمانی اسلام می‌باشیم که شناخت این اوصاف و تأثیر آن در شکل‌دهی ارکان تمدن اسلامی (نظام تمایلات، اندیشه تمدنی، سبک زندگی) بسیار راهگشا می‌باشد.

### واژگان کلیدی

اربعین، تمدن اسلامی، علم، سبک زندگی، تمایلات.

## مقدمه

بر اساس فلسفه تاریخ شیعی از سنن محوری حاکم بر روند حرکت تاریخ، درگیری مدام دو جبهه حق و باطل با سرپرستی اولیاء حق (ائمه نور) و اولیاء طاغوت در طول تاریخ می‌باشد. دو جبهه‌ای که همواره توسط خدای متعال امداد می‌شوند «كُلُّ نَمِيٍّ هَوُّلَاءِ وَهَوُّلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (اسرا، ۲۰) و البته جبهه حق همواره از امداد خاص هم برخوردار می‌باشد. این دو جریان تاریخی همواره به دنبال تغییر مناسبات عالم به نفع تقویت جبهه خود و نابودی جبهه مقابل می‌باشند و در تمامی روابط اجتماعی و تکوینی عالم تصرف کرده و به دنبال شکل‌دهی عالمی متناسب با خواست، اراده و اهداف و مبانی خود می‌باشند. به عبارت دیگر در این عالم تکلیف، امکان تحقق دو جامعه حق و باطل و دو تمدن الهی و الحادی با تمام لوازم تمدنی اعم از علوم حق و باطل و معادلات حق و باطل جهت تصرف در عالم و آدم می‌باشد.

بر این اساس ظرفیت هدایت اولیاء الهی با محوریت ائمه نور(ع) شکل‌دهی عالمی نورانی و خروج از عالم ظلمت و جهل است. به عبارت دیگر براساس معارف ناب شیعی نه تنها تمامی هستی تکویناً به واسطه جریان اراده تکوینی ائمه نور(ع) سرپرستی می‌شوند<sup>۱</sup> بلکه تکامل تاریخی انسان و جامعه انسانی و رسیدن به مقام توحید و قرب الهی تنها در سایه جریان ولایت ائمه نور(ع) و تولی تام به ولایت آنان می‌باشد. یعنی رسیدن به مقام توحید و تولی تام به ولایت حضرت حق در همه شئون حیات و مسیر بندگی جز از طریق تولی تام به ولایت ائمه نور(ع) امکان‌پذیر نمی‌باشد چرا که آنان «ارکان توحیدک» و «دعائم دینک» «محال معرفه الله» و «مساکن برکه الله» و «معادن حکمه الله» ... و «المخلصین فی توحید الله» (زیارت جامعه) هستند. لذا جز از طریق این انوار مقدسه عبادتی و معرفتی و رسیدن به مقام توحید امکان‌پذیر نمی‌باشد. «بنا عبد الله و بنا عرف الله» (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۴۵) اما در اینکه چرا این مقام به انوار مقدسه چهارده معصوم(ع) توسط حضرت حق تفویض شده است اسراری نهان نهفته است که طبق بعضی از روایات سر این برتری، سبقت گرفتن ایشان در امر توحید و معرفه الله و تنزیه و تقدیس خداوند است. ولی با این حال تبیین علت این برتری و پی بردن به منزلت و

مقامات معصومین(ع) از افق فهم ما خارج است. و به تعبیر امام رضا(ع) «چشم‌ها هم نمی‌تواند امام را شکار کند تا چه برسد دست شما به امام برسد» (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۴۵).

با این توجه ظرفیت فعل، قول و تقریر ائمه نور(ع) هدایت کل عالم و تمامی جوامع در تمامی ادوار تاریخ می‌باشد و از میان افعال معصومین(ع) بتوان حادثه عاشورا را نقطه عطف تاریخ بشری دانست که حتی حادثه عظیم بعثت نبی اکرم(ص) مرهون این حادثه عظیم است چرا که اگر عاشورا نبود اسلامی نبود. «انا لله و انا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذ قد بلیت الامه براع مثل یزید» (سید بن طاووس، ۱۳۸۷، ص ۱۱).

آنچه در باب حادثه عاشورا باید مورد توجه قرار گیرد تجلی عینی تمامی اسلام و مکارم اخلاقی در مقابل تمامی کفر و ردائل شیطانی است ولذا این حادثه و تمامی حلقات متصل به آن به خوبی باید مورد دقت و ژرف اندیشی قرار گیرد و نقش این حادثه در بنای جامعه ایمانی ملاحظه گردد. اینکه در روایات و سیره اهل بیت(ع) فضیلت‌های فراوانی بر بکا و زیارت سیدالشهدا(ع) تأکید شده همه خبر از شکل‌دهی جامعه ایمانی بر پایه محبت و زیارت است. یکی از جلوه‌های بی نظیر این حادثه، راهپیمایی عظیم اربعین است که در آن ناب‌ترین جلوه‌های زیست مؤمنانه ظهور پیدا می‌کند. تحقق این حادثه در این شرایط خاص جهانی که ارزش‌ها و فرهنگ مدرنیته، فرهنگ غالب جهان امروز گردیده است نشان امکان خروج از هژمونی حاکم ارزش‌های مادی دنیای امروز است. اگر انقلاب اسلامی ایران - که خود بر پایه نهضت حسینی و اسلام ناب شکل گرفته است - موج بیداری انسانی و اسلامی را در جهان امروز و جهان اسلام ایجاد کرده است، شکل‌گیری تمدن اسلامی هم - که افق حرکت انقلاب اسلامی می‌باشد- تنها بر پایه حادثه عاشورا و حلقات متصل به این حادثه همچون زیارت اربعین می‌باشد. به نظر نگارنده زیارت اربعین با جلوه‌های ناب آن به خوبی راه را برای تحقق تمدن اسلامی هموار می‌کند و انقلاب اسلامی ایران از بستر چنین حادثه‌ای می‌تواند به ایده تمدن اسلامی در دنیای امروز جامه عمل بپوشاند.

در این مقاله به صورت اجمالی به نقش این حادثه در تحقق تمدن اسلامی پرداخته می‌شود و البته قبل آن تمدن اسلامی و ارکان آن تعریف می‌گردد و سپس به بررسی تأثیر این حادثه در ابعاد مختلف تمدن اسلامی پرداخته می‌شود و در آخر راهبردهایی اساسی در باب بالندگی این حرکت عظیم بشری ارائه می‌گردد.

### ۱. مفهوم تمدن

کلمه «تمدن» در زبان عربی از «مدن» اخذ شده است که به معنای اقامت کردن و پیدا کردن اخلاق شهرنشینان است. (معلوف، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷۶۶) این کلمه ترجمه «Civilization» است که از کلمه لاتینی «Civilis»، متعلق به کلمه «vivis» یعنی «شهرمند» مشتق شده است. یونانی‌های باستان با این کلمه نشان می‌دادند که شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانند که شکل برتری از زندگی است. (دورانت، ۱۳۶۸، ص ۲۵۶) در فرهنگ‌های فارسی نیز «تمدن» به معنای شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن، همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و مانند آن آمده است. (معین، ۱۳۷۱، ص ۱۱۳۹) اگرچه، هم در زبان شرقی و هم در زبان لاتین، انتساب به شهر و شهرنشینی ملاک تمدن است، اما باید توجه داشت که تمدن لزوماً به معنای شهرنشینی نیست، بلکه انسان متمدن انسانی است که وارد مرحله شهرنشینی شده است. در واقع، شهرنشینی معلول تمدن بوده است، نه علت آن. بر همین اساس جان برنال می‌گوید: شهر جزو تمدن است، نه اینکه شهرنشینی، تمدن را به وجود آورده باشد (برنال، ۱۳۸۰، ص ۸۶).

اما در باب معنای اصطلاحی تمدن با تلقی‌های گوناگونی روبرو هستیم که نوعاً در تعریف‌ها با رویکردهای مختلف روبرو می‌باشیم. پیش از ارائه بعضی از این تعاریف، این نکته را باید در نظر داشت که «تمدن» مفهومی بدیع و نسبتاً جدید است و در طول سده‌های اخیر، دچار تحوّل مفهومی نیز شده است. اصولاً این اصطلاح از قرن ۱۸ و در عصر روشنگری پدید آمد، هر چند واقعیت آن از گذشته موجود بوده است. حال با در نظر

داشتن نکته مزبور، این واژه از منظر بعضی از اندیشمندان مغرب زمین و گروهی از متفکران مسلمان اینگونه تعریف گردیده است.

از نظر ویل دورانت «تمدن نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به منظور بهره‌گیری از اندیشه‌ها، آداب و رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می‌زند؛ نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگهدارنده آن می‌باشد و نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند (دورانت، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳).

ساموئل هانتینگتون «تمدن» را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آورد. (هانتینگتون، ۱۳۷۴، ص ۴۷) هنری لوکاس «تمدن» را پدیده‌ای به هم تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربر می‌گیرد (لوکاس، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۶۷).

از نظر آرنولد توین بی، «تمدن» حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است. (ولایتی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۰) یعنی در جامعه، طبقه ممتازی وجود دارد که واجد نبوغ و ابتکار و نوآوری است و در اثر تحولات و سیر تکامل جامعه، تمدن را پدیدار می‌نماید. متفکران مسلمان نیز تعاریف خاص خود را از «تمدن» دارند. ابن خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند. از نظر ابن خلدون، جامعه‌ای که با ایجاد حاکمیت، نظم‌پذیر شده، مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا بر حفظ نظم نظارت نماید و از حالت زندگی فردی به سوی زندگی شهری و شهرنشینی روی آورده و موجب تعالی فضایل و ملکات نفسانی، چون علم و هنر شده، حایز «مدنیت» است (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۶۷).

علّامه محمدتقی جعفری «تمدن» را این گونه تعریف می‌کند: «تمدن تشکّل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت است» (جعفری، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۱۶۱).

با بررسی تعاریف یاد شده به خوبی مشخص می‌گردد که در باب تعریف تمدن تنها نباید به بخش نرم‌افزاری تمدن توجه داشت و حتی تمدن را به مفهوم فرهنگ فروکاست

چنانکه برخی فرهنگ و تمدن را مترادف با یکدیگر قلمداد می‌نمایند. از جمله ادوار تایلور که در این باره چنین می‌گوید:

«کلمه فرهنگ یا تمدن به مفهوم وسیع کلمه که مردم شناسان به کار می‌برد. عبارت از ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق و قوانین و آداب و رسوم و ادات و اعمال دیگری است که به وسیله انسان در جامعه خود به دست می‌آید» (روح الامینی، ۱۳۷۹، ص ۴۸).

بر همین اساس در تعریف جامع تمدن - که به نظر می‌رسد تعریف دقیق‌تری می‌باشند - می‌بایست معنایی فراگیر قائل شده علاوه بر جنبه نرم و فرهنگی حیات اجتماعی، مجموعه عناصر اقتصادی، سیاسی، تکنیک‌ها، سازمان‌های اجتماعی و خلاصه جنبه‌های سخت در یک جامعه را هم مد نظر داشت. در فرهنگ لالاند<sup>۲</sup> «یک تمدن مجموعه‌ای است از پدیده‌های اجتماعی که قابل انتقالند و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیباشناسی، فنی، علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرند» (ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۹).

البته همان‌گونه که در تعریف لغوی بیان گردید در تعریف اصطلاحی هم کسانی هستند که تمدن را در جلوه‌های فرهنگ مادی و تجسم آن را در شهرنشینی خلاصه می‌کنند (روح الامینی، ۱۳۷۹، ص ۵۰).

بر این اساس به خوبی می‌توان به چند ویژگی مفهوم تمدن اشاره نمود:

الف) تمدن آنچنان که از کلمه لاتینی شهرنشین بودن یا شهروندان (civis) و شکل وصفی آن (civilis) مشتق می‌شود، متقوم به شکل‌گیری یک نظام اجتماعی قانونمند است.

ب) گستره یک تمدن به مراتب بیشتر از یک حکومت و یا حتی یک فرهنگ خاص می‌باشد و بالطبع عمر طولانی‌تر از عمر حیات اجتماعی یک جامعه خاص را دارد.

ج) تمدن هم یک جنبه سخت و هم یک جنبه نرم دارد که فرهنگ به عنوان جنبه نرم یک تمدن، زیر بنای ساخت یک تمدن است و بعد عقلانیت یک تمدن - که اساس یک

تمدن است - بازگشت به بعد فرهنگی آن می‌کند. البته تمدن تنها به این جنبه نباید خلاصه شود بلکه جنبه‌های سخت تمدن همچون ساختارها، محصولات و... هم مطرح می‌باشد. (د) هر تمدنی دارای نظامات اجتماعی متعددی می‌باشد که اساساً همین نظامات هستند که تمامیت یک تمدن را محقق می‌سازد مانند نظام‌های حقوقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دیگر نظامات کلان و خرده نظامات که به صورت هماهنگ تعیین بخش می‌باشند (آشوری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸).

(ه) شکل‌گیری یک تمدن محصول هماهنگی نظامات اجتماعی خاصی است که به پذیرش اجتماعی» رسیدند و نهادینه شده‌اند و لذا اگر مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در یک جامعه به پذیرش اجتماعی نرسد هرگز شکل تمدنی به خود پیدا نخواهد کرد.

#### ۱-۱. ارکان تمدن

در باب مؤلفه‌ها و ارکان اصلی یک تمدن و سهم تأثیر هر یک در ساخت یک تمدن برخی چهار رکن را مطرح کرده‌اند: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، کوشش در راه معرفت و بسط هنر.

در نظر ویل دورانت، عوامل تمدن عبارت‌اند از شرایط معرفت الارضی، جغرافیایی، اقتصادی، زیستی، روانی، نظم سیاسی، وحدت زبانی و قانون اخلاقی و از نظر او اهمیت عوامل و اوصاف و احوال اقتصادی در شکل‌دهی به یک تمدن بیش از عوامل دیگر است (دورانت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰۷).

بعضی دیگر سازه‌های یک تمدن را نظامات مختلفی همچون نظام اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی، ارزشی، تاریخی و... دانسته‌اند.

شاید بتوان با نظری دقیق سه رکن اصلی یک تمدن را «نظام گرایش، نظام اندیشه و فرهنگ، سبک زندگی و نظام محصولات» دانست که در تقویم با یکدیگر هویت تمدنی خاصی را شکل می‌دهند. بر خلاف بسیاری از دیدگاه‌ها که فرهنگ را روح و پایه اصلی تمدن مطرح می‌کنند، با نظر دقیق می‌توان گفت که اگر چه فرهنگ پایه و اساس



شکل‌گیری عینیت‌های تمدنی است و تمامی الگوها، مدل‌ها، ساختارها و دانش‌ها و علوم بستر شکل‌گیری محصولات «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» را در سطوح مختلف فراهم می‌آورند اما فرهنگ خود در بستر نظام گرایش‌ها، تمایلات، عاطفه‌ها و اخلاق اجتماعی شکل می‌گیرد و ظهور و بروز آن در سبک زندگی و محصولات تمدنی می‌باشد. به تعبیر دیگر با مطالعه و بررسی حیات اجتماعی انسان به خوبی نمایان می‌گردد که حیات اجتماعی مجموعه‌ای از «تمایلات، اندیشه‌ها و محصولاتی» شکل گرفته است که این سه بعد در هماهنگی با یکدیگر تمامی حوزه‌های حیات زندگی انسان را پوشش می‌دهد و در این میان نظام تمایلات، سهم اصلی در شکل‌دهی یک جامعه و تمدن را دارا می‌باشد. مثلاً جامعه‌ای که تمایلات آن مبتنی بر ارزش‌های اسلامی شکل گرفته است، هیچگاه در اندیشه اقتصادی خود، سراغ الگوهای ربوی و نظام سرمایه‌داری نمی‌رود و روابط اجتماعی و فرهنگ خود را متناسب با تمایلات خود شکل می‌دهد و بالطبع سبک زندگی و محصولات اجتماعی خاص را در حوزه‌های مختلف متناسب با تمایلات و اندیشه‌های خود تولید می‌کند. تفصیل این معنا بسیار مهم در امر شناخت تمدن اسلامی می‌باشد.

## ۲-۱. نظام گرایش‌ها و تمایلات

آنچنان که بیان شد تمایلات، عاطفه‌ها و احساسات، از مهم‌ترین ارکان یک جامعه و تمدن بشری است که در حیات اجتماعی خود بدان پای‌بند و تعلق دارد. هر جامعه‌ای متناسب با حس زیباشناسی خود به موضوعات و مسائلی گاه علاقه روحی و میل و کشش درونی پیدا می‌کند و گاه از موضوع و مطالب دیگری متنفر و گریز دارد، که همین تمایلات با تعامل با اندیشه‌ها است که مبدا ابراز رفتارها و موضع‌گیری می‌گردد.

بر این اساس می‌توان تمایلات اجتماعی را خاستگاه شکل‌گیری تمدن برشمرد و این ادعا با مطالعه تاریخی به خوبی قابل اثبات است چرا که نقطه عزیمت هر شکل تمدنی به شکل دیگری، تغییر در تمایلات، عاطفه‌ها و زیباشناسی اجتماعی می‌باشد و به تعبیر ماکس وبر این اخلاق اجتماعی است که پایه شکل‌گیری یک تمدن می‌گردد. (وبر، ۱۳۷۴،

ص ۶۲)

در باب تمایلات اجتماعی باید، به دو نکته توجه نمود. اولاً: گرایشات و تمایلات اجتماعی نظامند می‌باشند و همین نظام‌مندی باعث تفاوت جوهری نظامات اجتماعی متفاوت می‌باشد. آنچه در نظام‌مندی این تمایلات مهم می‌باشد، توجه به تمایل محوری در شکل‌گیری و هدایت دیگر تمایلات و گرایشات می‌باشند. اگر جامعه به دنبال توسعه و تکامل روحیه خداپرستی باشد بالطبع توسعه و تکامل آن جامعه در تمامی ابعاد به گونه‌ای خاص صورت می‌پذیرد و هرگز با شاخصه‌های مادی قابل سنجش نمی‌باشد.

ثانیاً اگر چه میان اندیشه و تمایلات همواره ارتباط تنگاتنگ وجود دارد اما این تغییر در تمایلات و انگیزه‌ها است که به دنبال خود تغییر در اندیشه را به همراه دارد و پیل دوران در کتاب تاریخ فلسفه خود به این مسئله اشاره دارد که «همواره تغییر در نگرش و روش با تغییر انگیزه‌ها همراه بوده است» (دورانت، ۱۳۶۸، ص ۳۷۳).

### ۳-۱. نظام اندیشه (بینش‌ها و دانش‌ها)

رکن دوم یک تمدن، اندیشه‌ها و بینش‌های تمدنی است که مبتنی بر آن، محصولات تمدنی شکل خواهد گرفت. این اندیشه‌ها لایه‌های متعددی دارند که از یک نگاه می‌توان آن را به اندیشه‌های «بنیادی، راهبردی و کاربردی» تقسیم نمود که همین اندیشه‌ها فرهنگ جامعه را شکل می‌دهند.

به تعبیر دیگر مفاهیم، ساختارهای اجتماعی، الگوها و مدل‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» همه اینها رکن دوم و اساس یک تمدن را شکل می‌دهد که براساس آنها روابط اجتماعی و کنش و واکنش‌های متقابل در سطوح خرد و کلان شکل می‌گیرد.

### ۴-۱. سبک زندگی و محصولات

نمود یک تمدن، در سبک زندگی و محصولات تمدنی است. سبک زندگی و محصولات تمدنی همواره مبتنی بر فرهنگ و اندیشه‌های خاصی شکل می‌گیرد و لذا خود حاصل فرهنگ و ارزش‌های خاصی هم می‌باشند و دقت در این معنا بسیار مهم است تا آنجا که

بعضی این موارد را جزو ارکان فرهنگ بر شمرده‌اند. مثلاً رویتر فرهنگ را اینگونه معنا می‌کند.

«اصطلاح فرهنگ به معنای مجموع آفرینش‌های بشری و برآیندهای سازمان‌یافته تجربه بشری تاکنون بکار می‌رود. فرهنگ شامل همه چیزهایی است که بشر به صورت ابزارها، جنگ افزارها، سرپناه‌ها و دیگر کالاهای مادی و فرایندها ساخته است. شامل همه چیزهایی است که بر بنیاد دیده‌ها و باورها، اندیشه‌ها و داوری‌ها به صورت قانون‌ها، نهاد، هنرها، علوم، فلسفه و سازمان اجتماعی ساخته و پرداخته شده است» (آشوری، ۱۳۸۱، ص ۶۷).

البته در باب سبک زندگی و محصولات تمدنی باید به دو نکته توجه نمود:

۱. سبک زندگی در یک حوزه تمدنی اعم از سبک زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان - که سه عرصه عمده در حیات انسانی است - می‌باشد و هر عرصه هم دارای آداب و مناسک خاصی می‌باشد، اگر چه این سه حوزه ارتباط و تأثیرگذاری مستقیمی بر یکدیگر دارند.

در سبک زندگی فردی، الگوها، آداب و مناسک در سه حوزه رفتارها و روحیات و اندیشه‌های انسانی مطرح است که باطبع در هر تمدنی انسانی خاص با روحیات و اندیشه‌ها و رفتارهای خاصی رشد و تربیت پیدا می‌کند.

دومین عرصه سبک زندگی، سبک زندگی خانوادگی است. خانواده مهم‌ترین واحد اجتماعی، تمدنی است چرا در دامن خانواده است که از یک طرف سبک زندگی فردی شکل می‌گیرد و از طرف دیگر جوهره سبک زندگی اجتماعی فرد در آن تحقق پیدا می‌کند. خانواده موفق یعنی تبیدن یک قلب در سینه همه اعضای آن، یعنی روحی مشترک در چندین کالبد که باعث می‌شود همگام و همراه یکدیگر به سمت کمال ره بپیمایند. در این خانواده، وحدت، هماهنگی و انسجام اهمیت بسیار دارد، تفرقه جایی ندارد و کارها با شور و مشورت سرانجام می‌گیرند.

سومین عرصه سبک زندگی، نحوه حضور انسان در حیات اجتماعی می‌باشد. نوع روابط اجتماعی، آداب و رسوم اجتماعی و سازمانی، الگوها و ضوابط اجتماعی در همه عرصه‌های اجتماعی نمایان‌گر سبک زندگی اجتماعی می‌باشد.

۲. نکته دوم اینکه محصولات تمدنی اعم از محصولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد و اینگونه نیست که تنها محصولات به تکنولوژی معنا شود. اگر چه خود تکنولوژی هم در عصر حاضر حامل فرهنگ خاصی می‌باشد. به تعبیر دیگر علم و تکنولوژی و کلیه ساختارهای ناشی از تمدن مدرن هم به دلیل مبادی و مبانی - که محرک ایجاد و اختراع آنها بوده است - و هم به جهت شاکله و نوع کارکردهایشان، حامل گرایش‌ها و کشش‌های خاص خود هستند که با برخی از مبانی و اهداف فکری و اعتقادی، سازگاری بیشتری دارند تا برخی دیگر.

«فقط کسی که اطلاع چندانی از تاریخ تکنیک ندارد، می‌تواند بر این باور باشد که تکنیک فاقد جهت و لذا خنثی و بی‌طرف است... هر تکنیکی منطق خاص خود را دارد و دارای فرا رخسار و سیمایی درونی و چهره‌ای نامرئی است و بر آن است که آن را باز و شکوفا سازد و نقاب از استعاره خود بردارد» (پستمن، ۱۳۷۳، ص ۱۷۷).

## ۲. اربعین و شکل‌گیری تمایلات تمدنی

مهم‌ترین جلوه همایش عظیم اربعین بروز ناب‌ترین تمایلات انسانی می‌باشد که به خوبی می‌تواند پایه اساسی شکل‌گیری تمدن اسلامی گردد. محبت به دیگران، از سر عشق به انسان‌های دیگر احترام گذاشتن، تواضع و خلوص بالای انسانی و میل به از خود و مال خود گذشتن در راه اعتلای مکتب و پیام عاشورا و... همه اینها نشان از شکل‌گیری زیباشناسی الهی و نظام تمایلات ناب انسانی بر مدار حب به خدا و اولیاء الهی دارد که تفاوت جوهری با نظام تمایلات دنیای مدرن بر مدار حب به دنیا و خودپرستی می‌باشد. در تبیین این معنا ابتدا باید توجه داشت که تغییر تمایلات اجتماعی خاستگاه اولیه شکل‌گیری هر تمدنی می‌باشد و این ادعا با مطالعه تاریخی به خوبی قابل اثبات است چرا که نقطه عزیمت تحول تمدنی، تغییر در تمایلات، عاطفه‌ها و زیباشناسی اجتماعی

می‌باشد و به تعبیر ماکس وبر این اخلاق اجتماعی است که پایه شکل‌گیری یک تمدن می‌گردد (وبر، ۱۳۷۴، ص ۶۲).

بر این اساس می‌بینیم که غرب مدرن هم ابتدا با تغییر تمایلات و حس زیباشناسی مردمان آن دیار آغاز می‌گردد. ویل دورانت، «پترارک» و «بوکاچیو» شاعر و نویسنده ایتالیایی قرن چهاردهم را نخستین انسان‌های عصر مدرن می‌نامد. «هر چه هست از حدود اواسط قرن چهاردهم نهضت فرهنگی - ادبی‌ای در برخی شهرهای ایتالیا به ویژه فلورانس پدید می‌آید که حکایت‌گر ظهور تدریجی بشر جدیدی بود که دیگر دلبستگی‌ها و علایق و تعلقات قرون وسطایی نداشت. دیگر این بشر علاقمند به افق ناسوتی حیات و زندگی سوداگرانه و منش سودجویانه است» (زرشناس، ۱۳۸۲، ص ۸۶).

بدین‌سان نطفه مدرنیته در رنسانس با این میل محوری، یعنی دنیاگرایی و روی‌گردانی از اندک مایه‌های میراث معنوی تفکر غربی بسته می‌شود و لذا این تغییر در تمایلات، عاطفه‌ها و احساسات در مغرب زمین، به دنبال خود علوم و تکنولوژی مدرن را به همراه آورد و تمدنی به قامت مادی می‌سازد. به عبارت دیگر به تعبیر ماکس وبر روح نظام سرمایه‌داری، اخلاق پروتستانی است، اخلاقی با روحیه خوشگذرانی و میل به ثروت‌جویی و کسب درآمد بیشتر. (ماکس وبر، ۱۳۷۴، ص ۵۴)

با این توجه به خوبی می‌توان به تأثیر عظیم حادثه عاشورا و حلقه‌های متصل به آن در شکل‌گیری دولت کریمه و مملکت عظیم مهدوی در بستر تاریخ و تمدن اسلامی در مقاطع تاریخی توجه نمود و از این منظر به جلوه‌های ناب تغییر تمایلات در راهپیمایی عظیم اربعین نظاره کرد. جهت تبیین این معنا ابتدا باید به خود حادثه عاشورا توجه کرد که چگونه توانسته اینگونه پایدار باشد و به عنوان حصن حصین شیعه در طول تاریخ مطرح باشد؟ سر این مطلب در درایت و بصیرت بالای نبی اکرم (ص) و سیدالشهدا (ع) است که با شکل‌دهی بزرگ‌ترین بلاء و ابتلاء، بزرگ‌ترین مصیبت و حادثه جانسوز، عاطفه جامعه شیعه را هدف قرار داده و حرارتی در آن جامعه (و حتی تمامی انسان‌های آزاده) ایجاد کردند که با این حرارت دائمی عاطفه و تمایلات جامعه شیعه مدام در غلیان و جوشش است. «ان للحسین حراره فی قلوب لا تبرد ابدا» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰،

ص ۳۱۸). در راهپیمایی عظیم اربعین هم با محوریت همین حرارت و میل محوری یعنی محبت امام حسین (ع) و عشق به آرمان‌های عاشورا، نظامی از تمایلات شکل می‌گیرد که با فرهنگ‌سازی آن در تمامی سال می‌تواند به خوبی می‌تواند پایه شکل‌دهی تمدن اسلامی قرار گیرد. در این راهپیمایی رنگ، نژاد، ملیت و قبیله همه رنگ می‌بازد و بر پایه شعار «حب الحسین یجمعنا» جامعه مؤمنینی شکل می‌گیرد که در آن ایثار و مهربانی در عالی‌ترین شکل آن بروز پیدا می‌کند.

### ۳. اربعین و شکل‌گیری اندیشه تمدنی

از دیگر تأثیرات حادثه عظیم اربعین، تأثیر آن در شکل‌گیری اندیشه و دانش‌های تمدنی می‌باشد. در این باب ابتدا باید توجه داشت که بر همه اندیش‌ورزان و متفکران اسلامی واضح و مبرهن است که تحقق تمدن اسلامی تنها در سایه شبکه علوم و دانش‌های کارآمدی امکان‌پذیر است که از یک طرف ریشه در باورها و مبتنی بر مبانی و آموزه‌های اسلام ناب باشد و از طرف دیگر در صحنه عینی بتواند با علوم رقیب خود هم‌اوردی داشته باشد و به نحو احسن نیازهای جامعه اسلامی را پاسخگو باشد. اما نکته مهم این است که تولید علوم اسلامی کارآمد تنها با حرکت نظری و فکری تحقق پیدا نمی‌کند بلکه این حوادث اجتماعی و عینی است که هم جهت‌گیری‌های علمی و هم ظرفیت و سرعت رشد علمی را رقم می‌زنند. اینکه در دنیای غرب پس از حوادث اجتماعی رنسانس و یا پس از انقلاب‌های اجتماعی همچون انقلاب فرانسه و مبتنی بر تغییر تمایلات اجتماعی، تولید علم و دانش صورت می‌گیرد همه نشان از ضرورت توجه به این نکته اساس است که انقلاب‌های علمی متأثر از تأثیرات عینی و اجتماعی می‌باشد. با توجه به همین نکته به خوبی می‌توان به عظمت کار معمار کبیر انقلاب اسلامی پی برد. امام راحل بر خلاف نظر برخی از علما - که معتقد بودند ابتدا باید مباحث نظری حکومت را تمام و طرح جامع نظام اسلامی را طراحی کرد سپس به تأسیس حکومت پردازیم - ابتدا به دنبال تشکیل حکومت اسلامی بودند و معتقد بودند در سایه اقامه نظام اسلامی می‌توان به جامعه‌پردازی و تولید علوم اسلامی پرداخت.

با توجه به این نکته راهپیمایی عظیم اربعین با جلوه‌های ناب آن به خوبی می‌تواند محمل نظریه‌پردازی جدیدی برای نیل به تمدن اسلامی قرار گیرد. از یک منظر می‌توان زیست مؤمنانه در این ایام محدود را جلوه‌ای از جامعه آرمانی مهدوی دانست که لازم است به خوبی زوایای آن مد نظر نخبگان فرهنگی و اندیشمندان جهان اسلام قرار گیرد. به نظر نگارنده حضور اساتید حوزه و دانشگاه و پژوهشگران و نظریه‌پردازان حوزه علم و دانش مخصوصاً پژوهشگران حوزه علوم انسانی در همایش عظیم اربعین ضرورت دارد چرا که بسیاری از معادلات و اندیشه‌های علوم موجود - که عمدتاً علوم سکولار غربی می‌باشند - عاجز از تحلیل بسیاری از روابط انسانی شکل گرفته در این زیست مؤمنانه می‌باشند.

اینکه در علوم سیاسی به دنبال تحلیل مؤلفه‌هایی همچون هویت، وحدت اجتماعی، ایجاد همدلی، مهار قدرت، جنبش‌های اجتماعی و... می‌باشند، با مطالعه دقیق این حادثه میتوان به نظریه‌های جدیدی پیرامون این مؤلفه‌های مهم دست یافت. به عنوان نمونه هویت اجتماعی در این حادثه بر اساس حُب به امام تعریف می‌شود و نه بر اساس ملیت و قومیت و یا هر مؤلفه دیگری که در مکاتب سیاسی دنیای امروز مطرح می‌باشد. در این اجتماع عظیم وحدت اجتماعی و شکل‌دهی جبهه حق در مقابل جبهه باطل بر مدار مبارزه با ظلم و استکبار و بغض نسبت به اولیاء تاریخی و اجتماعی جبهه ظلمت شکل می‌گیرد. پژوهشگران حوزه روان‌شناسی به خوبی شاهد بروز ناب‌ترین تمایلات، انگیزه‌های و رفتارهای انسانی در این همایش می‌باشند. به عبارت دیگر اگر روان‌شناسی به دنبال شناخت حالت‌ها، عادت‌ها، فعالیت‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های نسبتاً پایدار است که از انسان سر می‌زند و همواره قابل مشاهده، اندازه‌گیری، ارزیابی و پیش‌بینی است. در این همایش احساس آرامشی که هم زوار و هم خادمین به زوار دارند، وصف ناشدنی می‌باشد. میل به خدمت به دیگران و خود را ندیدن و بلکه خود را وقف دیگری کردن، بهجت و صفای بالای روحی و روانی انسان‌ها در این ایام بسیار دیدنی است. در این جامعه کوچک تمام منیت‌ها و تکثرها رنگ می‌بازد و در پرتو هدف متعالی و عشق برتر به جای نزاع و کشمکش به همگرایی و محبت به یکدیگر روی می‌آورند. تمام خیرات در این جامعه

کوچک در سایه محبت به امام شکل می‌گیرد. «من اراد الله به الخير قذف في قلبه حُبَّ الحُسَيْنِ و حُبَّ زيارته» (ابن قولویه، ۱۳۷۵، ص ۱۵۳)

اگر انقلاب اسلامی تمامی تحلیل‌گران حوزه جامعه‌شناسی را با بن بست تحلیل روبرو کرد و عاجز از تطبیق این انقلاب عظیم با تئوری‌های رایج در باب انقلاب‌های اجتماعی شدند، راهپیمایی عظیم اربعین هم نمونه‌ای مهم در لزوم تغییر نگرش جامعه‌شناسان در باب تحلیل جامعه و مؤلفه‌های اجتماعی همچون همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی می‌باشد. در اندیشه‌های رایج جامعه‌شناسی افرادی همچون روسو، همبستگی اجتماعی را در قراردادهای اجتماعی جستجو می‌کنند و افرادی همچون هابز آن را برآمده از زور و اقتدار می‌داند و در نزد دورکیم، همبستگی اجتماعی امری بیرونی، خود بنیاد و برآمده از جامعه است (یعقوبی، ۱۳۸۳، ص ۲۶).

اما براساس آموزه‌های دینی همبستگی تنها در سایه اعتصام و توسل به ریسمان الهی ممکن است. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران، ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. در روایات آمده است که ریسمان الهی آل محمد صلی الله علیه و آله می‌باشند، که مردم مأمور به تمسک به آن هستند. (حسینی البحرانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۷۲) و در این راه همایش عظیم انسان به خوبی مشاهده می‌کند که چگونه محبت و زیارت امام حسین(ع) بالاترین همبستگی اجتماعی را با تمام تکررات فرهنگی در بین ملل مختلف ایجاد کند.

خلاصه اینکه اندیشمندان اسلامی برای رسیدن به نظریه‌های دینی در باب ابعاد مختلف جامعه و نحوه تعالی آن باید نگاه خود را معطوف به سرمایه‌های عظیم درون دینی کنند و با مطالعه دقیق و عمیق مؤلفه‌هایی اجتماعی اسلام همچون حج، وقف،



مسجد، خمس، زکات، زیارت و... به آرمان شهر اسلامی نزدیک شده و الگوی جدید زیست اسلامی را به بشریت خسته از ایسم‌های مادی عرضه کنند.

#### ۴. اربعین و شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی

از دیگر جلوه‌های مهم همایش اربعین، مواجهه انسان با سبک زندگی مؤمنانه‌ای است که در فضای دنیای مدرن امروز فرصتی برای انسان فراهم می‌آورد که مواجهه با تجربه دیگری از سبک زندگی داشته باشد. این همایش صحنه‌ای زیبا از مؤلفه‌های مهم سبک زندگی را به منصفه ظهور می‌رساند، شادابی و نشاط بالای معنوی، دستگیری از دیگران، محبت و عشق به همدیگر، رنگ باختن همه رنگ‌های نژادی و قومی، عشق به دیگران، پاکدامنی و از همه بالاتر یاد خدا و غرق شدن در موج معنوی همه اینها خبر از امکان شکل‌گیری سبک زندگی جدیدی در دنیای پر رنگ و لعاب و خالی از هر گونه معنویت و آرامش می‌باشد. شاید بتوان بالاترین جلوه سبک زندگی مؤمنانه را در این همایش عظیم، بروز بالاترین حد ایثاری باشد که از طرف میزبانان این همایش مردمی در عصر استکبارهای فردی و اجتماعی دنیای امروز به نمایش گذاشته می‌شود. اینکه در وصف مؤمنان از انصار در قرآن آمده است که «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ؛ (حشر، ۹) دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند خود، فقیر و نیازمند باشند و یا در جای دیگر ایثار مالی خاندان پیامبر (ص) را چنین می‌ستاید: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا؛ (انسان، ۸) غذای خویش را با آنکه آن را دوست دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌خورانند.» در اربعین این فرهنگ به خوبی در سطح عالی و بسیار گسترده رخ می‌دهد. خادمان زوآر که با اندک بضاعت خود در خدمت ۳۰ میلیون زوآر قرار می‌گیرند همه در حال نشان‌دادن اهدافی برای زندگی دینی هستند و زوآر و خدمه می‌خواهند در راستای اهداف بزرگ خود صورت ایثار حسین (ع) را در این صحنه‌ها به ظهور برسانند و با از خودگذشتگی خود به امام حسین (ع) نزدیک شوند و نقش حسینی خود را در این تاریخ به فعلیت آورند. در راهپیمایی اربعین، سنی‌ها و حتی مسیحیان، ایزدی‌ها، زرتشتی‌ها و... نیز هم به‌عنوان زائر و هم به‌عنوان خادم تماشاگر این بزرگ‌ترین

صحنه ایثار می‌باشند و مهم‌ترین تحفه آنها از این سفر فرهنگ ایثار است فرهنگی که براساس آن می‌توان جهانی زیبا بنا نهاد.

### ۵. راهبردهای بالندگی

در حفظ، ترمیم و بالندگی این حرکت عظیم بشری متناسب با شرایط ملی، منطقه‌ای و جهانی کشور و جهان اسلام لازم است در باب شناخت ظرفیت‌های این حرکت و تنظیم راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های کاربردی کاری جدی و عمیق صورت گیرد. با این حال در اینجا تنها به برخی از راهبردهای اساسی در بالندگی این حرکت عظیم اشاره می‌گردد.

۱. در گام نخست لازم است یک ستاد فعال همراه با یک اتاق فکر قوی متشکل از نخبگان فکری تشکیل گردد که دائماً پیرامون ابعاد تمدنی این حادثه تحقیق و رصد میدانی صورت گیرد تا از تمام ظرفیت‌های این حادثه استفاده بهینه در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی صورت بگیرد.

۲. این راهپیمایی تنها نباید رنگ شیعی به خود بگیرد و بلکه باید به عنوان نماد همبستگی جهان اسلام و صحنه نمایش اتحاد جهان اسلام در مقابل استکبار جهانی گردد و لذا لازم است از هرگونه زمینه اختلاف برانگیز در این راهپیمایی عظیم پرهیز شود.

۳. این راهپیمایی ظرفیت ساخت سبک زندگی اسلامی را دارا می‌باشد و می‌تواند تجربه زیست در یک فضای قدسی عاری از هرگونه تمایزات صنفی، طبقه‌ای، نژادی، قومی، مذهبی و زبانی را برای انسان‌ها ایجاد کند لذا باید در سالم نگه داشتن این فضا مراقبت کامل داشت و سادگی آن حفظ گردد.

۴. توجه تام به محوریت عزاداری در راهپیمایی در کنار برائت تام از مستکبران جهانی و ایجاد فرهنگ مبارزه

۵. ایجاد تسهیلات برای شرکت تمامی مسلمانان و بالخصوص شیعیان در سراسر جهان جهت شرکت در این راهپیمایی و تجربه این فضای قدسی.

۶. ایجاد زمینه شرکت همه کشورها در اقامه این راهپیمایی و شرکت در فراینده ای تعاون و خدمت راسنی به زوار و در عین حال حفظ محوریت شیعیان عراق در میزبانی از زوار در این حرکت عظیم.
۷. رساندن پیام اربعین و این راهپیمایی عظیم نیازمند کارهای هنری (اعم از فیلم و مسند و سریال و...) و رسانه فعال در این زمینه می باشد که متأسفانه در این محور با کم کاری شدید روبرو می باشیم. باید از تمام ظرفیت در این راستا استفاده بهینه نمود.
۸. نمادهای این حرکت عظیم از لحاظ ساخت و قالب به خوبی می تواند تجربه سبک زندگی جامعه آخرالزمانی را ایجاد کند. لذا لازم است از این حادثه در تقویت اندیشه مهدویت و ایجاد روح انتظار و آماده سازی جامعه مؤمنین برای ظهور منجی کمال استفاده را نمود.

#### یادداشت‌ها

۱. بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ينزل الغیث و بکم یمسک السماء ان تقطع علی الارض الا باذنه (زیارت جامعه کبیره)

2. Laland

#### کتابنامه

- قران کریم  
نهج البلاغه  
مفاتیح الجنان  
جعفر بن محمد بن قولویه (۱۳۷۵)، کامل الزیارات، تصحیح و تعلیق علامه عبدالحسین امینی، نجف الاشرف: مکتبه المرتضویه.  
کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۱۱)، اصول کافی، جلد ۱ و ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.  
سید بن طاوس (۱۳۸۷)، لهوف، ترجمه سید ابوالحسن میرطالبی، قم: انتشارات دلیل ما.  
لوثیس معلوف (۱۳۷۴)، المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران.

- ویل دورانت (۱۳۶۸)، درآمدی بر تاریخ تمدن، ترجمه احمد بطحایی و خشایار دیهیمی، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- محمد معین (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، چاپ هشتم.
- جان برنال (۱۳۸۰)، علم در تاریخ، ترجمه اسدپور پیرانفر، تهران: امیرکبیر.
- هنری لوکاس (۱۳۶۶)، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: آذرنگ.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۲)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، چاپ دوم.
- ابن خلدون (۱۳۷۵)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۵۹)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- روح الامینی، محمود (۱۳۷۹)، زمینه فرهنگ شناسی، تهران: انتشارات عطار، چاپ پنجم.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱)، تعریف و مفهوم فرهنگ، تهران: انتشارات آکه، چاپ دوم.
- ماکس وبر (۱۳۷۴)، اخلاق پروتستان و روح نظام سرمایه‌داری، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- نیل پستمن (۱۳۷۳)، زندگی در عیش مردن در خوشی، ترجمه سید صادق طباطبایی، تهران: انتشارات سروش.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۲)، مبانی نظری غرب مدرن، تهران: انتشارات کتاب صبح، چاپ دوم.
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، ۱۸ جلد، قم: انتشارات مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- یعقوبی، عبدالرسول (۱۳۸۳)، عوامل همبستگی و گسستگی ایرانیان، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- حسینی البحرانی، سید هاشم (۱۴۱۷ق)، تفسیر البرهان، قم: الدراسات الاسلامیه.
- هانینگتون، ساموئل (۱۳۷۴) نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

